نگاه بیرون

غرامت گروگان‌ها را ایران نمی‌دهد

The Washington Post

ترجمه: شهرام زرندار

● قانون پرداخت غرامت به کارکنان سفارت آمریکا که سه دهه پیش ۴۴۴ روز در ایران گروگان گرفته شده بودند، روز پنجشنبه با استقبال گروگان‌های سابق و وکلایی که در این سال‌ها با تهران و واشنگتن در چالش بوده‌اند، مواجه شد.

تبصره لایحه قانونی درج‌شده در قانون بودجه که هفته پیش توسط باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا، امضا شده به هریک از گروگان‌ها تا سقف ۴/۴ میلیون دلار غرامت پرداخت می‌کند. ۳۷ نفر از گروگان‌ها و ۱۶ گروگان دیگر که تا این تاریخ درگذشته‌اند، مشمول دریافت این غرامت می‌شوند. بناست هریک از گروگان‌ها روزی هزار دلار بابت غرامت ۴۴۴ روز گروگان‌بودن دریافت کنند. این مبلغ غرامت از طریق ۹ میلیارد دلاری که قرار است بانک فرانسوی BNP به‌عنوان جریمه نقض تحریم‌ها علیه ایران، کوبا و سودان پرداخت کند، تأمین خواهد شد. توماس لنک‌فورد، دادستانی که از سوی گروگان‌ها و خانواده‌هایشان در این نبرد طولانی قانونی، نماینده بوده‌اند، پس از اینکه دادگاه‌ها و دولت آمریکا مکرر با تقاضای آنها برای پرداخت غرامت مخالفت می‌کردند، می‌گوید: «این غرامت را ایران پرداخت نمی‌کند». لنک‌فورد گفته: «دریافت غرامت پس از تأخیر طولانی خوشایند است». این توافق مالی همچنین منافع بالقوه قربانیان سایر حملات تروریستی را تأمین می‌کند که شامل بمب‌گذاری در سفارت ایالات متحده در آفریقای شرقی و اولین قربانیان حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز می‌شود.

پرداخت غرامت به گروگان‌هایی که در سفارت آمریکا در تهران بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ گروگان بودند؛ باعث بسته‌شدن پرونده یکی از مهم‌ترین بحران‌های روابط خارجی در قرن بیستم شده است. این بحران باعث تیرگی روابط بین تهران و واشنگتن شد و در نهایت نه‌تنها گروگان‌های سابق را در برابر مقامات تهران، بلکه آنها را در برابر دولت خودشان نیز قرار داد.

به آنها گفته شده بود هیچ عمل قانونی‌ای علیه ایران انجام ندهند، زیرا در توافق الجزایر که با میانجی‌گری دیپلمات‌های الجزایر منعقد و باعث رهایی‌شان شده بود، اقدام حقوقی و قانونی علیه ایران را منع کرده بودند. وزارت امور خارجه و رؤسای جمهور ایالات متحده، همه با تلاش‌های گروگان‌ها برای شکایت‌بردن به دادگاه مخالفت کرده بودند آنها به‌دلیل توافق به دست‌آمده در الجزایر با این مسئله مخالفت می‌کردند، بنابراین وکلا رو به سوی کنگره کردند، اما این تلاش‌های قانونی بارهاوبارها با شکست مواجه شد.

برخی از گروگان‌ها معتقدند که بررسی دوباره ادعایشان پس از توافق در ماه جولای ممکن شده است، اقدامی که بسیاری از اعضای کنگره را عصبانی کرد. «بن اَفلک» یک فیلم سیاسی به نام «آرگو» درباره عملیات نجات سیا که در آن شش دیپلمات آمریکایی در تهران نجات می‌یابند، ساخته است. جو هال ۶۶ساله که افسر ارتش آمریکا و هماهنگ‌کننده عملیات در سفارت آمریکا در تهران بود، گفت: «فکر می‌کنم فیلم «آرگو» که به‌دنبال آن توافق هسته‌ای با ایران به دست آمد، درباره این اقدام قانونی بسیار کارساز بوده است». هنگامی‌که لنک فورد در یک تماس تلفنی به هال و سایر گروگان‌های آمریکایی، گفت قانون پرداخت غرامت تأیید شده است، هال گفته: «من صدای تلفن را خاموش کرده بودم و برای چند لحظه در شوک روی صندلی نشسته بودم. یک لحظه عاطفی بود در جنگل بودم و تنها.»

آن بخش از لایحه قانونی که خواهان پرداخت غرامت به گروگان‌هاست به پیشنهاد سناتور جانی ایساکسون (جمهوری‌خواه از ایالات جورجیا) مطرح شده است؛ او رئیس کمیته سنا برای امور کهنه‌کاران نظامی ایالات متحده است، کسی که سه گروگان پیشین و هال را مربوط به حوزه نمایندگی‌اش می‌داند. او از سال ۲۰۱۳ هر سال لایحه پرداخت غرامت به گروگان‌ها را در مجلس سنا طرح می‌کرد. این قانون که برای اولین‌بار از سوی «یواس‌تودی» گزارش شده و توسط اوباما، درست در روزی که راهی تعطیلات در هاوایی بود، امضا شد، همچنین اجازه می‌دهد به همسر یا فرزند گروگان‌ها ۶۰۰ هزار دلار غرامت پرداخت شود. یکی‌دیگر از وکلای گروگان‌ها به نام آلن مدیسون، گفته: « ۱/۱ میلیارد دلار جریمه بانک «پاری‌با» که برای بازپرداخت غرامت به قربانیان حملات تروریستی کنار گذاشته شده، برای پوشش‌دادن به همه ادعاهای قانونی کافی نیست، این پول ۱۰ سال در اختیار دادگاه صالحه خواهد بود، بنابراین می‌تواند برای پرداخت جرائم آتی و مجازات‌های قانونی علیه نقض‌کنندگان تحریم‌ها علیه ایران و سایر متهمان به کار رود. در حقیقت و عملا همه گروگان‌ها به‌طور کامل غرامت دریافت خواهند کرد.

politics@sharghdaily.ir

در رقابت انتخابات نقل و نبات پخش نمی‌کنند

ادامه از صفحه ۷

حالا اینجا مجلس تعیین‌کننده است. مجلس اگر مجلسی باشد که بخواهد آرمان‌های امام و رهبری پیاده شود و امنیت ملی، استقلال ملی با اصول و مبانی همراه باشد، باید مجلسی باشد که چیدمان نمایندگان متفاوت باشد.

می‌توان گفت این حرف الزاما به معنی مجلس اصولگرا نیست و مجلس اصلاح‌طلب هم می‌تواند این ویژگی‌ها را داشته باشد. درست است؟

نمی‌دانم اصلاح‌طلب را شما چه چیزی معنی می‌کنید؟ یکی از اصول ما «تولی» و «تبری» است. شما نسبت را ببینید که بعد از رحلت پیامبر (ص) براساس اعتقاد، سه جناح درست شد؛ یکی سلمان، مقداد، ابوذر و حضرت‌زهرا(س) بر محور حضرت‌علی(ع) حرکت می‌کردند. یک جریان در برابر قرار گرفتند که همسر پیامبر محور آن جمع بود. طلحه و زبیر هم در این جمع دیگری بودند. دسته سوم با عنوان میانه و فراجناحی ایستادند و نظاره‌گر ماجرا شدند. ابوموسی اشعری، عبدالرحمان بن‌عوف، عبدالله عمر، زید بن‌ثابت، اسامه بن‌زید و حسان بن‌ثابت که اینها از رجال زمان پیامبر بودند. من می‌خواهم بگویم بالاخره مشی سلمان و مقداد و... درست است یا مشی ابوموسی اشعری و عبدالله عمر و...؟ ما بدون مبانی، فراجناحی نداریم. ما اعتدال بدون مبانی نداریم. اعتدال در ولایت‌مداری یعنی نه جلوتر از رهبری حرکت‌کردن و نه عقب‌تر تز رهبری ماندن. همان‌طوری که در زیارت جامعه کبیره و صلوات شعبانیه می‌خوانیم. این ادعیه به خاطر همین است که ما در رفتار روزانه‌مان این اصول را پیاده کنیم؛ یعنی تولی و تبری. کسانی هم که آن طرف تحت عنوان اصولگرایی هستند، انسان هستند و ممکن است نواقصی داشته باشند ولی برای ما اصول مهم است و نمی‌توان تحت عنوان فراجناحی اصول را زیرپا گذاشت. تحت عنوان اعتدال نمی‌توان اصول را زیرپا گذاشت. نمی‌توان گفت همه خودی هستند و غیرخودی نداریم. نمی‌توان گفت فتنه و کدورتی بوده و تمام شده است. ملاک رهبری است و رهبری می‌فرماید این عمار؛ چند بار از فتنه سخن گفتند. آیا کسی که از فتنه حمایت کرده یا هیچ صحبتی نکرده، می‌تواند اصلاح‌طلب ولایت‌مدار باشد یا خیر. یعنی ما دایره اصلاح‌طلبی را آن‌قدر گسترده‌اش کنیم که شامل ابوموسی اشعری و عبدالله عمر و... هم شود؟ اینها از پیش‌کسوتان بودند و کسانی نبودند که بتوان آنها را به‌سادگی زیر سؤال برد. اما مسیر خود را از مسیر رهبری پس از پیامبر (صلی‌الله علیه‌وآله) جدا کردند.

اصول و مبانی‌ای که می‌فرمایید، درست است ولی چگونه می‌شود این طرف بلاتشبیه شوند سلمان و ابوذر و آن سمت ابوموسی اشعری؟ رهبری می‌فرمایند تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای متدین هستند و آن آقا در مجلس به نام رهبری توهین می‌کند. رهبری می‌گویند به آنها اعتماد دارم ولی آن آقا از زبان رهبری می‌گویند من شنیدم ایشان گفتند فلان.

من کاری با اینها ندارم که بخواهم جرح و تعدیل کنم و بگویم چه کسی درست می‌گوید و چه کسی خلاف. ما می‌گوییم بالاخره رهبری گفتمان، امر، نهی و موضع دارند. وقتی ما از کسانی دفاع می‌کنیم و کسانی را سیل می‌کنیم، کسانی را که در فتنه نقش داشتند، تصویرشان را در صفحه اول می‌زنیم، چطور می‌تواند ولایت‌مدار باشیم؟ می‌شود گفت اینها اصلاح‌طلب ولایت‌مدار هستند؟ واقعا یعنی چه؟ من نمی‌خواهم کاملا قیاس کنم ولی در هر زمانی حق و باطل هست؛ امام نور هست و امام تاریکی. حزب‌الله و حزب‌الشیطان داریم و من کاری به مصادیقش ندارم که حزب‌الله کیست و حزب‌الشیطان چه کسی؛ ولی خط را نباید گم کرد. آن چیزی که از ما خواسته شده این است که حق نداریم اعتدال را بدون مبانی تعریف کنیم. اعتدال در تغذیه، خواب و خوراک، در دنیاگرایی آری، اما بین «کفر و ایمان»، بین «حق و باطل»، بین «فتنه‌گر و غیرفتنه‌گر» که نمی‌شود اعتدال برقرار کرد. بگوییم یک قسمت از این‌طرف و قسمتی از آن‌طرف بگیرد که اعتدال برقرار شود؛ اینکه نمی‌شود؛ بعد بگوییم ما ولایت‌مداریم و رهبری معظم انقلاب را قبول داریم.

خب، اگر فتنه‌ای بوده، به قول آقای مطهری، دو سر داشته است؛ یک سر آن هم آقای احمدی‌نژاد بوده. یعنی ایشان واقعا در اتفاقات تلخی که سال ۸۸ افتاد، نقشی نداشت؟ یک جماعتی را تحقیر کرد و به قسمتی از مردم توهین کرد و درنتیجه این جمعیت تحریک شدند و اتفاقاتی افتاد. اگر قرار است تنبیه و ممنوع‌التصویری باشد، خب آقای احمدی‌نژاد چرا نه؟

ببینید موضوعات قابل تفکیک است. در رقابت انتخابات نقل‌ونبات تقسیم نمی‌کنند. رقابت و بداخلاقی یعنی همین. حالا وسط انتخابات با طرف برخورد کنند؟ تقابل با احمدی‌نژاد، یک هفته بود و یک هفته بعد تبدیل شد به تقابل حق و باطل. یعنی وقتی آقا آمدند و موضع گرفتند، احمدی‌نژاد کنار رفت و در حاشیه قرار گرفت. مواضع آقا هم بسیار شفاف است. زمانی که آقای احمدی‌نژاد در چارچوب یک‌سری ارزش‌ها حرکت می‌کرد، حمایت می‌شد و بعد که ایشان از آن ارزش‌ها عدول کردند، با ایشان برخورد شد. بنده هم موضعم همین بود و جزء کسانی بودم که به صورت شخصی، مشی ایشان را دوست می‌داشتم ولی بعدا که عدول از ارزش‌ها را دیدم، موضع گرفتم که ایشان هم کلی علیه من در رسانه‌های خودشان مسئله درست کردند.

اما قسمت کثیری از معترضان آن سال، با نظام مشکلی نداشتند و مشکلی اگر بود، با خود آقای احمدی‌نژاد داشتند.

ببینید در انتخابات، رقابت براساس تأثیرگذاری بر افکار عمومی است... . ولی نباید بداخلاقی باشد. در تبلیغات، تندروی و زیاده‌روی عادی است. از یک هفته بعد از انتخابات آمدند گفتند تقلب شده. رهبری مدیریت کردند. من وقتی «سیدمحمدحسین فضل‌الله» زنده بود، به لبنان رفتم، ایشان می‌گفتند تا ۲۹ خرداد رهبری ابوت و پدری کردند و از ۲۹ خرداد به بعد رهبری و اعمال قدرت کردند. یعنی تعامل کردند و به حضور پذیرفتند که اگر حرفی دارید، بزنید. یک هفته تقابل بین احمدی‌نژاد و آقای موسوی بود. یک هفته بعد تبدیل شد به دعوا بین حق و باطل. حالا تا ۲۹ خرداد هم کشش دارد و می‌گویند تا آن روز مواضعشان عوض نشده بود و بعد از خطبه آقا عوض شد. ما آنهایی را درست می‌دانیم که بعد از یک هفته مواضعشان برگشت، البته ما خودمان قبلش هم می‌فهمیدیم اوضاع چطوری است. چون بنده هم این آقایان را از زمانی که مسئولیت داشتند، می‌شناختم. اگر کسی تشخیص ندهد، مشخص است گرفتار یک‌سری توهماتی هست. در طول این مدت یعنی از سال ۸۸ تا سال ۹۴ که شش‌سال می‌گذرد، چه‌کسانی ایفای نقش کردند؟ چه‌کسانی با همه وجود نظام را زیر سؤال بردند؟ چه‌کسانی بدترین اتهام را به نظام وارد کردند؟ اینها، بالاخره شاید بتوانیم بگوییم، مظلوم‌ترین نظام، همین نظام است که بیشترین تهمت‌ها و اهانت‌ها را به جان خریده است؛ درحالی‌که در برابر این‌همه اتهام می‌توانسته کاری انجام دهد، ولی انجام نداده است.

نکته

مواضع آقا هم بسیار شفاف است. زمانی که آقای احمدی‌نژاد در چارچوب یک‌سری ارزش‌ها حرکت می‌کرد، حمایت می‌شد و بعد که ایشان از آن ارزش‌ها عدول کردند، با ایشان برخورد شد.

طبیعتا سپاه یک نهاد انقلابی است که متعلق به همه مردم ایران است و متعلق به هیچ جناحی نیست. شما توصیه‌ای به اعضا و مسئولان سپاه در مورد انتخابات ندارید که چگونه عمل و موضع‌گیری کنند تا خدای‌نکرده تلقی حمایت از یک جناح خاص به وجود نیاید؟ چگونه باید این عمل رخ دهد تا جایگاه سپاه در تعلق به تمام مردم ایران و انقلاب، دچار سوءبرداشت نشود؟

اگر دو، سه مسئله از هم تفکیک شوند خوب است. چون دو، سه مسئله با هم طرح می‌شود و تلقی این می‌شود که سپاه در انتخابات دخالت کرده است. اصل اولی که شما اشاره کردید، همین‌طور است. یعنی سپاه متعلق به انقلاب است و پاسدار انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن است. این طبق اصل ۱۵۰ قانون اساسی کاملا روشن است. اما عملکرد سپاه؛ چون سپاه نه‌فقط با ارتش خودمان که با تمام ارتش‌های جهان تفاوت دارد. رسالت ارتش خودمان، حفاظت و پاسداری از استقلال مرزهاست. لااقل تا جایی که می‌دانم هیچ نهادی مانند سپاه نیست و سپاه منحصربه‌فرد است که یک نهادی فقط برای حفاظت و پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن ایجاد شود. خب سؤال این است که دستاوردهای انقلاب و خود انقلاب کجا و چطور به خطر می‌افتد؟ آیا فقط در عرصه سخت‌افزاری و نیمه‌سخت است؟ آیا سپاه فقط باید در شمال‌غرب کشور برود و با جریان کومولـه و دموکرات مقابله کند یا فقط در جنوب‌شرق باید با آشوبگران مبارزه کند؟ آیا در جنگ نرم اگر انقلاب در مرز خطر قرار گرفت باید چه کند؟ یا اگر دشمن شبیه پروژه‌ای که در سقوط امپراتوری شوروی، اوکراین و گرجستان خواست اجرا کند و جریان جامعه را به‌سمتی بکشاند سپاه چه باید بکند؟ آنهایی هم که سپاه را متهم می‌کنند، جوابی ندارند که بدهند. آخرش می‌گویند شما نظامی هستید و باید در پادگان زندگی کنید ولی این‌طوری نیست. سپاه پاسدار انقلاب اسلامی است. هرکجا انقلاب اسلامی به خطر بیفتد، سپاه وظیفه‌ای برای خودش دارد. در بحث اطلاعات، معین وزارت اطلاعات است؛ در امنیت، معین ناجاست؛ در مسئله تبلیغات و امور فرهنگی، معین سازمان تبلیغات و نهادهای فرهنگی هستند و در قسمت نظامی، معین ارتش است. در تمام اینها سپاه نقش کمک‌کننده دارد اما اگر بخواهم شفاف بگویم، سپاه مثل نهادهای دیگر، یک نقش وضعیت‌شناسی دارد. همه نهادهای فرهنگی، اطلاعاتی و امنیتی وضعیت‌شناسی می‌کنند. کار دومی که از سپاه توقع می‌رود این است که جریاناتی که در عرصه رقابت حضور دارند را به پاسداران و بسیجیان بشناساند. شما مجلس ششم را شاهد بودید که نایب‌رئیس مجلس ششم می‌گفت از مغز سر تا سر انگشت پا از آمریکا می‌ترسم یا طرح سه‌فوریتی برای تعطیلی چرخه سوخت و پذیرش پروتکل، یا نامه‌نوشتن به رهبری که درصدد بودند بنویسند جام زهر را بنوش و اینها. سپاه باید بداند اگر این افراد در عرصه حاکمیت قرار گرفتند، چه اتفاقی برای نظام خواهد افتاد. اینکه دخالت در انتخابات نیست؛ این توجیه سیاسی و جریان‌شناسی است. الان ما هشت جلد کتاب درباره حزب مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، مجمع روحانیون، مؤتلفه، روحانیت مبارز و... چاپ کرده‌ایم که تا ۱۵ جلد خواهد رسید، برای اینکه این جریانات را از زبان خودشان بشناسند و جریان‌شناسی گروه‌ها و احزاب یکی از الزامات حرکت درست سپاه است. کار دیگری که تصور می‌شود سپاه در انتخابات دخالت می‌کند که البته توهم است، این است که نهادهایی که وضعیت‌شناسی می‌کنند، عقبه ندارند ولی سپاه عقبه دارد. به طور طبیعی نتایج حرف ما و ماهیت فکری خود بسیجی این است که به فرد متدین رأی بدهند. این طبیعت کار است و هیچ‌کس به اینها فرمان نمی‌دهد. چون اصلا فرمانی و پادگانی نیست که بگوییم به چه‌کسی رأی دهید و به چه‌کسی رأی ندهید. این خیلی تصور بدی است که مثلا فرماندهی یا نماینده ولی‌فقیه بگویند به فلانی رأی دهید. طبیعت تفکر و فرهنگ پاسدار و بسیجی و خانواده‌هایشان این است که وقتی می‌روند برای رأی فکر می‌کنند این کاندیدا اگر رأی بیاورد، جایگاه ولایت تقویت می‌شود یا خیر؟ مبانی امام زنده می‌شود یا به تاریخ سپرده می‌شود؟ وقتی نتیجه آرا را می‌بینند، مثلا فلان کسی که متدین بوده رأی آورده، بعد می‌گویند سپاه دخالت کرده و رأی آورده است. اصلا این‌طور نیست.

یعنی در سازمان بسیج گفته نمی‌شود که به فلان کاندیدا رأی دهید؟

ابدا؛ اصلا چنین چیزی نیست. چون ما هم مخالفیم. بعضی آقایان به من هم مراجعه می‌کنند که می‌خواهیم کاندیدا شویم. من می‌گویم چرا آمده‌ای به من می‌گویی؛ ما که نمی‌توانیم به پاسداران و بسیجیان امرونهی کنیم که به چه‌کسی رأی دهید. ما چهار نوع مخاطب داریم؛ اول پاسداران هستند که مخاطب مستقیم ما هستند. رده دیگر بسیج ویژه هستند. با کمال تأسف هر اتفاقی در هر جایی می‌افتد، به نام سپاه و بسیج تمام می‌کنند که این فرافکنی است. رده سوم بسیج عادی است. رده چهارم هم حزب‌اللهی‌های در سطح کشورند که نه بسیجی هستند و نه پاسدار و تحت امر ما نیستند. پای سخنرانی می‌روند، فلان آقا چیزهایی می‌گوید و یک مرتبه عکس‌العمل نشان می‌دهد. خب به ما چه ربطی دارد؟ چرا گردن سپاه و بسیج می‌اندازند؟ واقعا این مسئله‌ای عجیب‌وغریب است که هر اتفاقی در کشور می‌افتد را مرتبط با بسیج می‌کنند که اشتباه محض است. ما اصلا در هیچ دوره‌ای نیامدیم بگوییم به چه‌کسی رأی دهید. این کار اصلا امکان‌پذیر نیست و بعد هم اینکه شأن سپاه و بسیج نیست که ما به آنها بگوییم به چه‌کسی رأی بدهید. ما معیار می‌گوییم؛ حرف‌های امام و آقا را می‌گوییم که این‌طور می‌فرمایند که کاندیدا در شأن نظام باشد. یک مجلس در تراز انقلاب اسلامی چه مجلسی است؟ یک خبرگان در تراز انقلاب اسلامی چه خبرگانی است؟ اگر در زمان رسول‌الله(ص) یا در زمان امیرالمؤمنین(ع) صندوق رأی گذاشتند، سلمان، مقداد، طلحه، زبیر و زید بن ثابت هم کاندیدا هستند. خب متدینین چگونه باید رأی دهند؟ ما معیار نشان می‌دهیم و می‌گوییم که امام این‌گونه فرموده‌اند. کاندیدای در تراز انقلاب و مجلس در تزار انقلاب این است. خبرگان هم تراز انقلاب این است.

ما که نمی‌توانیم جلوی فهم دیگران را بگیریم. ما معیار خودمان را می‌گوییم. می‌گوییم فردی باید باشد که کاملا ولایت فقیه را پذیرفته باشد و این ولایت فقیه از نظر اختیارات و جایگاه برایش ملموس باشد. همچنین التزام عملی هم داشته باشد. اصول و خط امام و رهبری را هم تعریف می‌کنیم. ما اصلا فرمان نمی‌دهیم و مصداق تعیین نمی‌کنیم. ما معیار می‌دهیم.

وقتی شورای نگهبان صلاحیت نامزدها را تأیید کرده که همه التزام و اعتقاد دارند، یعنی همه از فیلتر این شورا رد شده و تأیید شده‌اند.

شورای نگهبان محدودیت قانونی دارد و می‌گوید در چارچوب قانون. بین وظیفه شورای نگهبان و وظیفه شهروندان تفاوت هست. اولا شورای نگهبان برای اینکه کاملا به عمق صلاحیت افراد دست پیدا کند، زمان ندارد و یک زمان محدودی دارد. مثلا هزار نفر یا دوهزار نفر ثبت‌نام می‌کنند و در مدت کمی باید شورای نگهبان نظر دهد. اما کسی که می‌خواهد رأی دهد چهار ماه وقت دارد. نمی‌تواند که بگوید چون شورای نگهبان تأیید کرده من تکلیفی ندارم.

خب به‌هرحال از سمت شورای نگهبان صلاحیت احراز شده است.

اینجا اشتغال یقینی، برائت یقینی می‌خواهد. رأی‌دادن هم تکلیف است و هم حق‌الناس. تکلیف را باید درست انجام داد. دومین تفاوت بین شهروندان و شورای نگهبان این است که در چارچوب قانون و در چند شاخصه وظیفه دارد که بررسی کند. استعلام هم می‌گیرند ولی اینکه وزارت اطلاعات و ناجا و.... چگونه پاسخ استعلامات را بدهند، یکی از ملاک‌ها خواهد بود. پس شورای نگهبان از لحاظ زمانی و منابع محدودیت دارد. دیگر اینکه رأی شهروندان شخصی است و مسئولیتی در قبال کاندیداها ندارد.

وقتی نامزدها تأیید بشوند، در بین نامزدهای تأییدشده، به بیان معیار می‌پردازید یا ممکن است به مصادیق هم اشاره شود؟

ما فقط معیار می‌گوییم. وارد مصادیق نمی‌شویم.

سپاه چه کند که شائبه دخالت در انتخابات ایجاد نشود؟ توصیه‌ای به مسئولان سپاه در شهرها و شهرستان‌ها ندارید؟

ما توصیه کرده‌ایم که در انتخابات دخالت نکنند. دستورالعمل فرستادیم و بنایی هم بر دخالت نبوده، نیست و نخواهد بود اما آنچه عرض کردم، تفاوت است بین سپاه و دیگر نهادها. همچنین ما عقبه داریم و آنها این عقبه را ندارند. سوم اینکه عقبه‌ای که در سپاه و بسیج هست، بین خود و خدا این عهد را دارند که حرف امام را گوش کنند؛ یعنی پای صندوق رأی که می‌روند فقط به آدم‌هایی رأی بدهند که سالم، پاکدست، انقلابی، متدین و نفوذناپذیر باشند که وقتی به مجلس رفتند با هر چیزی تحت‌تأثیر قرار نگیرند.

کوتاه دیپلماسی

ولایتی: تنش بین روسیه و ترکیه باید کاهش یابد

● **ایرنا:** علی‌اکبر ولایتی، روز شنبه پس از دیدار با شیخ صلاح‌الدین اوزگون‌دوز، رهبر شیعیان ترکیه، گفت: تنش بین روسیه و ترکیه نه به‌نفع این دو و نه به‌نفع کشورهای منطقه است. هر کاری که بتوان انجام داد تا این تنش کاهش یابد انجام شود. هر دو کشور همسایگان ما هستند و نمی‌خواهیم بین همسایگان که رابطه‌ای دوستانه با آنها داریم تنشی ایجاد شود. او افزود: با توجه به اینکه رابطه دو ملت ایران و ترکیه، رابطه طولانی و دوستانه‌ای است و ریشه در قرون متمادی دارد، امیدوارم در آینده با کمک کشورهای منطقه از جمله ایران، ترکیه، عراق و سوریه بتوانیم در مقابل توطئه دشمنان اسلام به سرکردگی آمریکا و صهیونیست‌ها که برای تجزیه و تضعیف کشورهای اسلامی اقدام می‌کنند بایستیم. رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گفت: اگر اختلافی بین کشورهای منطقه و کشورهای اسلامی است، باید با گفت‌وگو حل شود و در امور داخلی هم دخالت نکنیم. نباید اجازه دهیم یک کشور در امور داخلی کشوری دیگر در منطقه و از منطقه دخالت کند و نباید اجازه دهیم بیگانگان از خارج از منطقه در امور داخلی کشورهای منطقه دخالت کنند. موفقیت کشورهای اسلامی، همبستگی هرچه‌بیشتر بین آنها و دوستی و همکاری با هم، بدون دخالت در امور داخلی یکدیگر میسر است. او افزود: مبارزه با جریان‌های افراطی و تکفیری ضرورتی انکارناپذیر است. جمهوری اسلامی ایران تمام تلاش خود را برای ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای و مبارزه با تروریسم و جریان‌های افراطی به کار می‌گیرد.

ملاقات «جیسون رضاییان» با همسر و مادرش در روز کریسمس

● **ایسنا:** لیلا احسن، وکیل‌مدافع «جیسون رضاییان»، از ملاقات موکلش با همسر و مادرش در روز کریسمس خبر داد. او با اشاره به اینکه این ملاقات روز جمعه در زندان و به صرف ناهار انجام شده است، یادآور شد هنوز حکم موکلم به من ابلاغ نشده است.